

## مطالعه ضرورت رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر با توجه به تحولات اخیر

مجید حیدری<sup>۱</sup>، محمود نصر الهی<sup>۲</sup><sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد علوم سیاسی

## چکیده

دریای خزر این بزرگترین پهنه آبی داخل جهان که قرن‌ها در آرامش سکون و انزوای جغرافیای خاص خود بسر می‌برد تنها شهرت خاویارش نام آن را آشنای جهانیان ساخته بود به یکباره و بدنبال فروپاشی شوروی با کسب عنوان گستره آبی بین‌المللی اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ویژه احراز نمود. وجود منابع غنی نفت و گاز سبب گردید که به عنوان یکی از مناطق استراتژیک جهان به زعم برخی رقیب دریای شمال در محاسبات واقع بینانه و رقیب خلیج فارس در تشابه سازی های اغراق آمیز مطمح نظر قدرتهای سیاسی و اقتصادی بزرگ جهان قرار گیرد و رقابتهای گسترده جهت دستیابی به منابع مورد بحث و انتقال آنها از مسیرهای مورد نظر به بازارهای مصرفی جهان نمایان گردید. امروزه در رسانه ها و مطبوعات به کرات سخن از «رژیم حقوقی دریای خزر» است. از هنگام فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مسائل مربوط به دریای خزر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از مهمترین دغدغه های دیپلماسی کشور بوده است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی- تحلیلی می باشد آنچه این مسأله را از اهمیت دو چندان برخوردار می سازد، ابتدای مسائل سیاسی و روابط بین کشورهای حاشیه دریای خزر و حتی کشورهای دیگر، بر تبیین و تعریف «رژیم حقوقی» است. بنابراین، بررسی «حقوقی» مسأله، جدای از مسأله «سیاسی» آن نیست و حقوقدان ناچار است در بررسی حقوقی خویش، از مسائل سیاسی دخیل در آن نیز، ذکری به میان آورد. بر این مبنا هرگونه تغییرات امنیتی و دفاعی در این حوزه حساس تبعات سنگین اقتصادی برای این کشورها به همراه خواهد داشت؛ وضعیتی که در صورت تحقق آن ایران باید کماکان برخاسته‌های خود پافشاری کند.

**واژه‌های کلیدی:** رژیم حقوقی، دریای خزر، قدرت های سیاسی و اقتصادی، اقتصاد و تجارت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ۱. مقدمه

قبل از فروپاشی اتحاد شوروی (در سال ۱۹۹۰ م.) تنها ایران و اتحاد شوروی حاشیه نشین دریای خزر محسوب می شدند و این دو کشور بر اساس قراردادهای ۱۹۲۱ م. و ۱۹۴۰ م. مسائل حقوقی مربوط به این دریا را حل و فصل می کردند و در عمل هم مشکل چندانی پیش نیامد. پس از فروپاشی، پنج کشور ایران، روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان حاشیه نشین این دریا شدند. مهمترین اختلاف این کشورها، نحوه تقسیم بندی این دریا، برای بهره برداری از منابع سرشار نفت، گاز و موجودات آبری دریا می باشد. علی رغم گذشت سیزده سال از فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد وضعیت جدید برای دریای خزر، هنوز این پنج کشور به توافق همه جانبه دست نیافته اند. اهم موضوعات رژیم حقوقی دریای خزر از این قرار است: پرواز هواپیما بر فراز دریا، رژیم کشتیرانی، ماهیگیری، آلودگی دریایی، مکانیسم مناسب برای شراکت منابع نفتی. همچنین در مسأله حقوقی این دریا، مباحث «اقتصادی و تجاری» دخیل است. افزون طلبی اقتصادی بعضی از کشورهای حاشیه این دریا و قراردادهای یک طرفه آمریکا و دیگر کشورها با دولتهای منطقه در خصوص نفت و گاز، تبیین حقوقی مسأله را از پیچیدگی بیشتری برخوردار ساخته است؛ چه این که مسائل حقوقی این دریا، با مسائل سیاسی، بین المللی، جغرافیایی و غیره ارتباط دارد. در یک کلام، «اقتصاد» و «سیاست» از اهم اموری است که به نحوی با «حقوق دریای خزر» مرتبط بوده و بررسی حقوقی مسأله، نیازمند ملاحظه این دو عامل نیز می باشد.

قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ میلادی، تنها ایران و اتحاد شوروی، حاشیه نشین این دریا بودند ولی بعد از فروپاشی، اکنون دریای خزر با پنج کشور هم مرز است. علاوه بر ایجاد وضعیت جدید، قراردادهای سابق بین ایران و اتحاد شوروی سابق، مثل معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مورد تردید کشورهای جدید الاستقلال قرار گرفته و تقریباً ضرورت تدوین رژیم حقوقی جدید، مورد توافق تمام این کشورها واقع شده است.

البته ضرورت تدوین رژیم حقوقی برای این دریا، به معنای نبود رژیم حقوقی برای آن در گذشته نیست؛ چه این که، قبل از فروپاشی شوروی سابق، معاهدات چندی بین ایران و شوروی منعقد شده بود و همان، مبنای رفتار واقع می شد و در عمل هم مشکل چندانی بین طرفین بروز نکرد؛ بلکه مراد این است که معاهدات سابق ناظر به وضعیت آن زمان می باشد. بنابراین، نمی تواند تمام مسائل و مشکلاتی را که اکنون کشورهای حاشیه دریا با آن روبرو هستند، پاسخگو باشد. از این رو، لازم است تمامی کشورها، با انعقاد معاهدات جدید، رژیم حقوقی جدیدی را بنیان نهند.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

## نام دریای خزر

در مدت بیش از دو هزار سال، پیوسته نامهای متعددی بر این دریا اطلاق شده که به بعضی از آنها اشاره می شود: دریای هیرکانی، طبرستان، گیلان، آبسکون، مازندران، کاسپین و خزر. نکته ای که از مطالعه تاریخ این دریا به دست می آید این است که این نامهای متعدد به خاطر جمعیتها و گروههایی بود که در اطراف دریای خزر می زیسته اند.

مورخان و محققان پس از اسلام از این دریا به عنوان دریای هیرکانی، مازندران، گیلان، خزر، آبسکون و غیره یاد کرده اند. ولی مورخان و جغرافی دانان یونانی و رومی از آن به عنوان «دریای کاسپین» یاد می نمایند. «کاسپیان قوم کهنی بودند که در

<sup>۱</sup>. داود باوند، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر، نویدا و زنهاها، فصلنامه خاورمیانه، ص ۶۶۱.

<sup>۲</sup>. Caspian sea

هزاره دوم پیش از میلاد در منطقه میانی و جنوب شرقی قفقاز سکنی داشتند...بعدها این دریا، در ارتباط با قوم کاسپین، «دریای کاسپین» نام گرفت.<sup>۳</sup>

نام «دریای مازندران» مأخوذ از یکی از استانهای شمالی ایران است که این استان در جنوب این دریا واقع شده و نمایانگر رابطه پایدار تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی با دریاست. نام «دریای خزر»، مأخوذ از نام طایفه ای است که در گذشته در کنار دریا زندگی می کردند. «خزر نام طایفه ای از اقوام آریایی می باشد که در قدیم در ترکستان و سواحل غربی دریای خزر به سر می بردند و از سال ۶۰۰ تا ۹۵۰ میلادی در قسمت جنوب غربی قفقاز دارای حکومت و قدرت بوده اند، مذهب آنها مسیحیت بوده، گروههایی از آنها به مذهب یهود و اسلام گرویده اند، آنها را خزران و خزرانیان هم گفته اند. نام دریای خزر از نام آنها گرفته شده است.»<sup>۴</sup>

در میان ایرانیان، واژه «خزر» و «مازندران» از شهرت بیشتری برخوردار بوده و در عین حال، به دور از هر گونه تعصب، دریای خزر و دریای مازندران را مرادف هم ذکر می کنند.

### «دریا» یا «دریاچه» بودن خزر

سؤالی که مطرح می باشد این است که آیا «دریای خزر»، دریاست یا دریاچه؟ در جواب باید گفت نظر یکسانی وجود ندارد؛ برخی از محققان از نام «دریا» جانبداری می کنند. مهمترین دلیل این گروه، وسعت بسیار زیاد این دریاست که به هیچ وجه، با «دریاچه بودن» تناسب ندارد. چون دریای خزر، از «دریاچه سوپری یر» دومین دریاچه بزرگ دنیا، پنج برابر وسیعتر و نیز، به تنهایی از مجموع خلیج فارس و دریای عمان بزرگتر است.

در مقابل، گروهی از نام «دریاچه» طرفداری می نمایند. یکی از مهمترین دلایلهای آنان این است که از نظر حقوق بین الملل دریاها، «تعریف دریا»، بر دریای خزر صادق نیست. «بدیهی است برای آن که منطقه ای تابع حقوق دریاها باشد، باید به راحتی و به طور طبیعی با دیگر دریاهای سراسر جهان ارتباط داشته باشد، که البته چنین وضعیتی در مورد دریای خزر صادق نیست.»<sup>۵</sup>

بنابراین، وضعیت دریای خزر به گونه ای است که هیچ کس آن را تابع «حقوق بین الملل دریاها» نمی داند. از این نظر، بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ م. مربوط به حقوق دریاها، نمی توان دعوی مربوط به آن را حل و فصل کرد. افزون بر این، الحاق به این کنوانسیون اختیاری است و اساسا ایران و سایر کشورهای حاشیه دریای خزر بدان ملحق نشده اند.

<sup>۳</sup>. عنایت ا... رضا، درباره کاسپیان و دریای کاسپین، ص ۱۵۲.

<sup>۴</sup>. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۸۵۵.

<sup>۵</sup>. محمدرضا دبیری، رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان مبنایی برای صلح و توسعه، ص ۹؛ الکساندر خوداکف، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۴۹.

## 2. Lake superior .

<sup>۷</sup>. جمشید ممتاز، دشواریها و چشم اندازهای نظام حقوقی دریای خزر، ص ۶۷.

در هر حال، عنوان «دریای خزر» از عنوان «دریاچه خزر» شهرت بیشتری دارد و ما نیز در این پژوهش از همین عنوان یاد می‌کنیم.

### ۳. اهداف تحقیق

در این تحقیق، ابتدا کلیاتی در مورد دریای خزر مطرح می‌شود که از این طریق دور نمای کلی نسبت به این دریا و اهمیت بحث و بررسی آن روشن خواهد شد. آنگاه پیشینه بحث و منشأ اختلافات حقوقی کشورهای حاشیه دریای خزر، وضعیت حقوقی معاهدات مربوط به این دریا در قبل و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و در پایان رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر با توجه به تحولات اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۴. فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد وضعیت دریای خزر به گونه‌ای است که هیچ‌کس آن را تابع «حقوق بین‌الملل دریاها» نمی‌داند.
- ۲- به نظر می‌رسد کشورهای ساحل‌نشین نمی‌توانند به کشورهای غیرحاشیه دریای خزر، اجازه کشتیرانی بدهند.
- ۳- به نظر می‌رسد بعضی کشورهای حوزه دریای خزر، به دلیل نفع اقتصادی بیشتر، از تعیین رژیم حقوقی حاکم بر این دریا پرهیز دارند و خودسرانه به عقد قرارداد دو جانبه با کشورهای دیگر مبادرت می‌ورزند.

### ۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد که بر اساس استفاده از منابع کتابخانه‌ای از قبیل؛ کتاب، مقالات، فیش برداری، شبکه‌های کامپیوتری (اینترنت) و بانک‌های اطلاعاتی بوده و با مطالعه منابع مرتبط با بحث انجام شده است.

### ۵. نتایج و رهیافت تحقیق

#### موقعیت جغرافیایی دریای خزر

دریای خزر یک دریای محصور در خشکی است که از طریق «رود ولگا» به «دریای سیاه» ارتباط دارد. این دریا، بزرگترین دریای محصور در خشکی، در جهان است که منطقه‌ای به وسعت ۴۶/۲۴۴ کیلومتر مربع را شامل می‌شود و حداکثر پهنا و طول آن به ترتیب ۵۵۴ و ۱۲۸۰ کیلومتر است و عمق آن از ۵۰ متر در ناحیه شمال تا ۹۸۰ متر در ناحیه جنوب متفاوت است.<sup>۸</sup>

در این دریا حدود ۵۰ جزیره کوچک و بزرگ وجود دارد و در جنوب دریا و در نزدیکی سواحل ایران، «جزایر آشوراده» واقع شده است. رودخانه‌های متعددی به این دریا می‌ریزد که بعضی از آنها عبارتند از: اورال، ولگا، ترک، سولاک، سامور، کورا، ارس، سفید رود، چالوس و هراز. در این دریا حدود ۸۵۰ نوع جانور آبی و بیش از ۵۰۰ نوع گیاه دریایی وجود دارد و این دریا، مهم‌ترین منبع تأمین خاویار جهان محسوب می‌شود. وجود منابع معدنی، نفت و گاز، اهمیت اقتصادی و سیاسی خاصی به این

1. Farhad Talaie, The legal status of caspian sea, p.1\_2

دریا بخشیده است. از همه مهمتر، اکنون این دریا با پنج کشور هم مرز است. آذربایجان در غرب، ایران در جنوب، قزاقستان در شمال و شمال شرقی، روسیه در شمال غربی و ترکمنستان در غرب.

### موقعیت جغرافیایی کشورهای حاشیه دریای خزر

**بند اول: منابع دریایی خزر به عنوان «میراث مشترک بشریت» یا «منطقه ای»**

در بیست و دومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آقای «آروید پارادو» سفیر و نماینده کشور مالت، پیشنهاد نمود که بستر و زیر بستر دریاها و اقیانوسها، خارج از حوزه صلاحیت ملی کشورها قرار گیرند و «میراث مشترک بشریت» اعلام شوند و در نتیجه از «تخصیص ملی» و بهره برداری آزاد خارج گردند، تا از منابع آنها بتوان به نفع بشریت و برای مقاصد صلح جویانه استفاده نمود.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا اعماق دریای خزر (بستر و زیربستر) مشمول «میراث مشترک بشریت» است یا منابع آن به کشورهای حاشیه دریای خزر اختصاص دارد؟

برای پاسخ به این سؤال، لازم است جایگاه دریاچه خزر را در «حقوق بین الملل دریاها» مورد توجه قرار دهیم. اگر چه دریاچه خزر از نظر جغرافیایی، یک دریای بسته محسوب می شود ولی در اصطلاح «حقوق دریاها» به آن، دریای بسته اطلاق نمی شود؛ چه این که مطابق ماده ۱۲۲ کنوانسیون حقوق دریاها، «دریای بسته یا نیمه بسته، به خلیج، آبراه یا دریایی اطلاق می گردد که محدود به قلمرو دو یا چند کشور بوده و توسط یک آبراه باریک (طبیعی) به دریا یا اقیانوس دیگری متصل می شود و تمامی یا بخش عمده ای از دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی را در بر می گیرد.»

بنابراین، از آنجایی که دریاچه خزر به اقیانوس و آبهای بین المللی ارتباط ندارد، قوانین «حقوق دریاها» در مورد آن قابل اجرا نیست و وضعیت حقوقی آن تابع توافق کشورهای ساحل نشین است. «در مورد دریاچه هایی که بین دو یا چند دولت قرار دارند، معمولاً به موجب معاهده، مقررات حاکم بر صلاحیت ماهیگیری و کشتیرانی بین دولتهای ساحلی، تعیین می شود.»

کف اقیانوسها دارای منابع سرشار معدنی مثل کلوخه های منگنز، آهن، مس، کبالت، نیکل، کرمیت، سرب و روی است. به دلیل اهمیت این منابع، موضوع «میراث مشترک بشریت» از سال ۱۹۶۷ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد و در قطعنامه های مصوب، صراحتاً بستر و زیر بستر دریا و اقیانوسها را که ماورای حاکمیت ملی قرار دارند، «میراث مشترک

۹. داود باوند، پیشین، ص ۶۶۰.

۱. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین الملل عمومی، ص ۳۲۳.

۱. لطف الله مفخم پایان، دریای خزر، ترجمه جعفر خمامی زاده، هدایت، ص ۳۱۱.

۱. هوشنگ مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، ص ۲۳۸.

بشریت» اعلام می کند که هیچ کشوری حق ادعای مالکیت بر کل یا مالکیت بر بخشی از منطقه مذکور را ندارد و یک سازمان بین المللی به نفع کلیه کشورها در بهره برداری آن نظارت خواهد داشت.<sup>۳</sup>

می توان گفت: اولاً: قوانین حقوق بین الملل دریاها در مورد دریای خزر قابل اعمال نیست بلکه همانند «دریاچه ژنو» که بین سوئیس و فرانسه واقع شده، و «دریاچه اُتاریو» که بین آمریکا و کانادا واقع شده، تابع قراردادهای خاصی است که دولتهای ساحلی، آن را تنظیم ساخته اند. ناگفته نماند دریاچه هایی که بین دو یا سه کشور قرار دارند، حدود سی دریاچه در دنیا است. برخی دیگر از این دریاچه ها عبارتند از: «دریاچه کُن تَنس» که بین آلمان و سوئد واقع شده، و «دریاچه اری، دریاچه هورن و دریاچه سوپری یُر»، که این سه دریاچه بین کانادا و ایالات متحده آمریکا واقع شده اند. ثانياً: «میراث مشترک بشریت» در حوزه دریای خزر، جایگاهی ندارد و تمام منابع آبی و غیرآبی آن متعلق به کشورهای حاشیه دریای خزر است.

### فوائد تعیین رژیم حقوقی دریای خزر

شکی نیست که انسانها دارای زندگی جمعی هستند و از طریق تعاون و همکاری به زندگی خود ادامه می دهند. در این میان، «حقوق» روابط انسانها را تنظیم می نماید و از آزادیهای بی حد و حصر که موجب اخلال و بی نظمی می شود، جلوگیری می نماید. همین مطلب در روابط بین کشورها، به نحو مشابهی مطرح است. امروزه کشورها بیش از گذشته دارای تبادلات فکری، تجاری و غیره هستند. آنچه که بیش از پیش می تواند روابط بین کشورها را منسجم و پایدار نماید، پایبندی و عمل به «حقوق حاکم بر روابط کشورها» می باشد. طبیعی است که کشورهای حاشیه دریای خزر، دارای ارتباطات دیرینه بوده اند و همه آنها با توجه به منابع غنی نفت و گاز موجود در اعماق دریای خزر، دارای منافع هستند که گاهی در تضاد با منافع دیگر کشورهای همسایه است.

آنچه که می تواند از نزاعهای خانمانسوز جلوگیری نماید و همکاریهای منطقه ای را توسعه دهد، تبیین و عمل به معاهدات فیما بین است. تاریخ شاهد جنگهای بی حاصلی بوده که کشورها به انگیزه منافع مادی و اقتصادی به حقوق و منافع دیگران تجاوز نموده اند و موجب خرابیها و بدبختیهای بی شماری شده اند، همانند جنگ جهانی اول، دوم و جنگ عراق علیه ایران و کویت؛ در حالی که پایبندی به حقوق و تبیین دقیق آن می توانست از هدر رفتن سرمایه های عظیم ملتها جلوگیری نماید.

از این رو، تعیین رژیم حقوقی، و ملاکی برای مناسبات اقتصادی و تجاری، می تواند وضعیت روشنی را برای کشورهای حاشیه دریای خزر ترسیم نماید و منافع زیادی را برای مردم منطقه فراهم سازد. به عبارت دیگر، «رژیم حقوقی» وسیله ای برای ایجاد امنیت فکری و عملی دولتها و مردم منطقه خواهد بود. این مطلب هم حائز اهمیت است که بعضی کشورهای حوزه دریای خزر، به دلیل نفع اقتصادی بیشتر، از تعیین رژیم حقوقی حاکم بر این دریا پرهیز دارند و خودسرانه به عقد قرارداد دو جانبه با کشورهای دیگر مبادرت می ورزند؛ در این میان، می توان از انعقاد قرارداد دو جانبه ترکمنستان با ایالات متحده و دیگر کشورها، در خصوص اکتشاف، استخراج و انتقال نفت نام برد، و نیز قرارداد دو جانبه بین روسیه و قزاقستان در تقسیم منابع مشترک دریای خزر (در تیرماه ۱۳۷۷) که اعتراض برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را به دنبال داشته است. «قراردادهایی که در دسامبر ۱۹۹۳ م. و سپتامبر ۱۹۹۴ م. به ترتیب توسط قزاقستان و آذربایجان با کنسرسیوم های نفتی غرب به منظور کاوش و بهره برداری از منابع نفتی زیر بستر مناطق دریایی روبروی سواحل این دو کشور به امضا رسید، گویای تکروی دولتهای قزاقستان و آذربایجان بود.»<sup>۴</sup>

۱. رضا موسی زاده، کلیات حقوق بین الملل عمومی، ص ۱۰۳.

۲. جمشید ممتاز، پیشین، شماره ۱۲۴۱۲۳، ص ۶۱؛ جمشید ممتاز، ایران و حقوق بین الملل، ص ۲۸۹.

کشورهایی که بیشترین رابطه را با دریای خزر دارند، تعیین وضعیت حقوقی برای آنها از اهمیت بسزایی برخوردار است. ایران بیش از هزار کیلومتر مرز آبی با دریای خزر دارد. همچنین، تعیین وضعیت حقوقی برای دیگر کشورها که خواهان روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای حاشیه دریا هستند، مفید است. چه این که بودن چارچوب معین برای کشورهای حاشیه دریای خزر، میزان و ملاکی برای کشورهای ثالث نیز خواهد بود و آن کشورها، وظیفه و حدود فعالیت‌های خود را تشخیص داده و می‌توانند آینده خود را در مبادلات و قراردادهای تجاری و اقتصادی با کشورهای حاشیه این دریا ترسیم نمایند.

«در یکی دو سال اخیر شاهد اعلام سرمایه‌گذاری‌های کلانی توسط شرکتهای نفتی و گازی غربی در این جمهوریها بوده ایم. لکن در عمل هیچ یک به منصفه ظهور نرسیده است؛ از این رو تقریباً این سرمایه‌گذاریها فقط «روی کاغذ» باقی مانده اند و مؤسسات غربی علناً هشدار داده اند که تا استقرار رژیمهای با ثبات حقوقی سیاسی و مالیاتی در این جمهوریها، دست به سرمایه‌گذاری جدی نخواهند زد.»

### بررسی مراحل رژیم حقوقی دریای خزر

روند حقوقی دریای خزر دارای مراحل بوده که به اختصار بدان اشاره می‌شود:

#### گفتار اول: مرحله اول (ایران و روسیه تزاری)

در این مرحله دو معاهده بین ایران و روسیه تزاری منعقد شد:

الف) عهدنامه ۱۸۱۳ م. که در این عهدنامه به دنبال شکست ایران از روسیه تزاری، محدودیتهایی از جمله محروم بودن از نیروهای نظامی در دریای خزر، به ایران تحمیل شد.

ب) عهدنامه ترکمنچای ۱۸۲۸ م. که تقریباً همان محدودیتهای به ایران تحمیل شد.

#### گفتار دوم: مرحله دوم (ایران و اتحاد شوروی سابق)

در این مرحله چندین معاهده منعقد شد که مهمترین آن معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است که محدودیتهای سابق برطرف گردید و در هر دو معاهده بر «حقوق برابر و مشترک دو دولت ساحلی تصریح و تأیید گردید... که طرفین از حقوق مساوی در زمینه آزادی دریا نوردی تحت لوای پرچم خود برخوردار هستند.»

در این مرحله دوم، با توجه به انعقاد قراردادهای ۱۹۲۱ م. و ۱۹۴۰ م. بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، عملاً عهدنامه‌های ۱۸۱۳ م. و عهدنامه ترکمنچای ۱۸۲۸ م. مسکوت گذاشته شد و قراردادهای جدید مبنای عمل واقع گردید.

همچنین، در سایه تساهل و تحمل از سوی ایران، چندین دهه ثبات و همکاری وجود داشت و از دو جهت تعیین دقیق وضعیت حقوقی دریای خزر نزد طرفین احساس نمی‌شد:

۱. غلامرضا آقازاده، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سخنرانی‌ها، ص ۳۲۹.

۱. محمدرضا دبیری، پیشین، ص ۵۳.

۱. داود باوند، پیشین، ص ۶۶۲.

اول: از آن جهت که کشورهای جدید الاستقلال، از دهه ۱۹۳۰ تا سال ۱۹۹۰ میلادی همه در یک مجموعه بزرگتر به نام: «اتحاد جماهیر شوروی» بودند و استقلالی در نحوه تصمیم گیری در حوزه سیاسی حقوقی دریای خزر نداشتند. به عبارت دیگر، فقط دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق، حاشیه نشین این دریا محسوب می شدند. طبیعی است وقتی روابط تجاری و اقتصادی، در بین دو کشور باشد، مسائل از پیچیدگی زیادی برخوردار نمی باشد و دو کشور بسیار آسانتر می توانند به تفاهم برسند ولی، وقتی روابط به چند کشور، آن هم با منابع اقتصادی و سیاسی متزاحم گسترش یابد، حصول توافق از دشواری بیشتری برخوردار خواهد بود. آنچه این پدیده را از ناهنجاری بیشتری برخوردار می سازد، منافع سیاسی و اقتصادی کشورهای دیگر است که حاضرند در ضدیت با یک کشور، قراردادهای عظیم نفتی را با کشور دیگر منعقد سازند.

دوم: آن که منابع عظیم نفت، گاز و مواد معدنی در حوزه های دریای خزر کشف شده است، منابعی که در آینده، سرمایه و درآمدهای کلانی را به سوی کشورهای منطقه سرازیر خواهد نمود و زمینه را برای توسعه های هر چه بیشتر فراهم می سازد. «تخمین زده می شود که فقط ذخایر حوزه نفتی تنگیز در قزاقستان، که قسمتی از آن در زیر بستر دریا واقع شده، بالغ بر بیست و پنج میلیارد بشکه نفت می باشد.»<sup>۸</sup>

«کشورهای نفت خیز حاشیه دریای خزر مثل آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و مناطقی مانند داغستان و استراخان با داشتن حدود شصت و هشت میلیارد بشکه نفت، بعد از سبیری و خلیج فارس، سومین منطقه نفت خیز جهان به شمار می روند... ایران و کشورهای مستقل مشترک المنافع جمعاً نزدیک به شصت درصد از منابع گاز طبیعی شناخته شده، جهان را در اختیار دارند؛ چنانچه منابع قطر را هم به این مجموعه بیافزاییم این ذخایر از ۵۳ منابع جهان نیز بیشتر خواهد شد. احتمالاً منابع جدید عمده گاز که در آینده کشف می شوند، نیز در همین مناطق خواهند بود.»<sup>۹</sup>

### گفتار سوم: مرحله سوم (ایران و کشورهای جدید الاستقلال)

در سال ۱۹۹۱ میلادی، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، بیش از ده کشور به استقلال رسیدند، سه کشور آن در حاشیه دریای خزر می باشد که به همراه ایران و روسیه، کشورهای حاشیه دریا به پنج کشور افزایش یافت.

این کشورها می بایستی منابعی برای تأمین هزینه های خود می یافتند، در غیر این صورت، استقلال آنها در معرض خطر می افتاد از این رو، کشف منابع غنی معدنی و نفتی در حوزه دریای خزر، زمینه را برای تأمین ارز لازم فراهم می سازد. به دلیل ایجاد وضعیت جدید و نیز ناکافی بودن معاهدات سابق، که بین ایران و شوروی سابق منعقد شده بود، تدوین رژیم حقوقی جدیدی، بر اساس انعقاد معاهدات جامع و فراگیر، مورد توافق و تأکید همه دولت‌های ساحلی واقع شده است.

«اعلامیه نهایی اجلاس [مشترک کشورهای ساحلی دریای خزر] که در ۱۷ فوریه ۱۹۹۳ انتشار یافت، بیانگر خواست مشترک کشورهای ساحلی این دریا مبنی بر برقراری نوعی مکانیزم همکاری منطقه ای برای تنظیم تمامی مسائل ناشی از بهره برداری از دریای خزر و منابع آن بود.»<sup>۲</sup>

### منشأ اختلافات حقوقی حوزه دریای خزر

۱. جمشید ممتاز و امیر حسین رنجبران، ایران و حقوق بین الملل، ص ۲۸۵.

۱. سید رسول مولوی، سمینار بررسی منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۲۰.

۲. جمشید ممتاز، پیشین، ص ۶۱.



«استخراج نفت توسط شوروی در دریای خزر در سال ۱۹۷۶ میلادی، معادل ۲۲۰ هزار بشکه در روز بوده و بیشترین فعالیت در حوزه باکو صورت گرفته است؛ در حالی که ایران، تاکنون با عملیات لرزه نگاری و اکتشافی به وجود منابع غنی نفت و گاز در دریای خزر پی برده است. عملیات برداشت نفت و گاز توسط شوروی از این منطقه بین پانزده تا بیست سال قدمت دارد.»

استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، بعد از فروپاشی سابق، تلاش آنها را برای تأمین منابع ارز و سرمایه، بیشتر ساخت و با انعقاد قراردادهای بلند مدت با کشورهای غربی، زمینه را برای حصول ارز فراوان ایجاد نمودند. در این میان، آذربایجان و ترکمنستان، بیش از همه گوی سبقت را ربودند و تلاش این دو کشور در انعقاد قرارداد با شرکتهای آمریکایی و اروپایی چشمگیر بوده است.

سؤالی که مطرح می باشد این است که چرا این قراردادهای اقتصادی و نفتی، موجب ناراحتی کشورهای دیگر از جمله ایران و روسیه شده است؟

در معاهدات سابق همچون معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی، چند مسأله مانند ماهیگیری، کشتیرانی (تجارت ساحلی) مورد توجه قرار گرفته بود و در عمل هم اختلاف چندانی بین ایران و اتحاد شوروی، بروز نکرد و مطابق نص و روح توافقیهای ایران و شوروی سابق، دریای خزر از نظر حقوقی، مشترک میان دو دولت بوده و حالت مشاع داشته است؛ ولی با گذشت زمان موضوعات جدید و بسیار پیچیده مطرح شد که معاهدات سابق در آن خصوص ساکت است و حتی از روح معاهدات سابق، چیزی به دست نمی آید تا راهگشای اختلافهای دولتهای منطقه باشد.

به عبارت دیگر، با گذشت زمان، مسائل و مباحث حقوقی جدیدی مطرح شد که معاهدات ۱۹۲۱ م. و ۱۹۴۰ م. درباره این موضوعات کمترین سخنی به میان نیاورده است. بنابراین، نبود معاهده و مواد قانونی لازم بین کشورها از یک طرف، و نیز برداشتها و تفسیرهای خاص هر یک از کشورهای حاشیه دریا از طرف دیگر، زمینه را برای بروز اختلافهای حقوقی و سیاسی فراهم ساخته است.

این موضوعات از این قبیل است: منابع معدنی و هیدرو کربوری موجود در بستر و زیر بستر دریا، نحوه مالکیت منابع، پرواز هواپیماهای مسافربری و نظامی بر فراز دریای خزر، حق داشتن نیروی دریایی اعم از کشتیهای جنگی و یا زیردریایی، مسؤولیت مدنی و کیفری دولتهای ساحلی، حفظ و اداره منابع طبیعی، موضوع آلودگی دریای خزر، کنترل بخش مرکزی و مسیر انتقال نفت و گاز.

در حالی که وضعیت جدید کشورهای تازه استقلال یافته، همکاری همه جانبه دولتها را می طلبد، اقدام یک جانبه بعضی از دولتها در انعقاد قراردادهای بزرگ نفتی با شرکتهای خارجی، سبب بروز مشکلاتی شده و روند حقوقی این دریا را با کندی روبرو ساخته است. دریای خزر، یک «دریای محصور در خشکی» بوده و منابع موجود در آن، به صورت مشترک و مشاع می باشد. بنابراین، اقدام یک جانبه دولتها در بهره برداری بی رویه از منابع نفت و گاز، موجب ضرر به دیگر کشورها خواهد بود. علاوه بر آن، بهره برداری از منافع نفتی فراتر از منطقه ده مایل دریایی؛ یعنی منطقه مشترک، توسط آذربایجان یا قزاقستان، به اختلافات کشورهای ساحلی افزوده است.

۲. بهمن آقایی، رژیم حقوقی دریای خزر، مجله حقوقی، ص ۱۹۷.

۱. Farhad Talaie, op.cit, P.1\_14 .

از موارد اختلاف بین کشورهای ساحلی، تعیین نوع رژیم حقوقی می باشد. ایران و روسیه معتقدند تا وقتی رژیم حقوقی جدید، بر اساس انعقاد معاهدات فراگیر، تدوین نشود، معاهدات سابق همچنان به قوت خود باقی است. در مقابل قزاقستان و آذربایجان خواهان تقسیم دریا هستند. «به عقیده ما [قزاقستان]، طبق حقوق بین الملل، خزر باید به مناطق مناسبی [آبهای سرزمینی و مناطق اقتصادی] تقسیم شود که حاکمیت دولتهای ساحلی در آن به کار رود»<sup>۳</sup>

دولتهای تازه به استقلال رسیده، پایبندی به برخی از قراردادهای سابق را تا حدودی مغایر منافع ملی، استقلال و آزادی به دست آمده خود می دانند و در عین حال، تعهد به معاهدات سابق را نوعی وابستگی به قدرت شوروی سابق قلمداد می کنند. از این رو با توجه به تغییر بنیادین اوضاع و احوال و ایجاد دگرگونی در خصوص محصور بودن دریای خزر و نیز ضرورت و نیاز مبرم جهت استفاده مؤثر از منابع طبیعی برای توسعه اقتصادی، رژیم حقوقی گذشته را فاقد مشروعیت لازم می دانند.

### وضعیت حقوقی معاهدات مربوط به دریای خزر در قبل و بعد از فروپاشی شوروی

رژیم حقوقی دریای خزر که قبلاً به وسیله یک سری موافقتنامه های بین ایران و اتحاد شوروی سابق ایجاد شده بود، تنها موضوعاتی همچون کشتیرانی و شیلات را در بر گرفته و همه مسائل مربوط به دریای خزر را شامل نمی شود. همچنین، این موافقتنامه ها یک نظام برای نحوه بهره برداری از منابع موجود در بستر و زیربستر دریا را ایجاد نمی نماید. علاوه بر آن، مقررات قراردادی، خط تحدید حدود مرزی برای این دریا را معین نمی سازد. با این وجود، بعضی سعی کرده اند که یک خط را به منظور مرزبندی در نظر بگیرند.

به هر حال، این مطلب که هیچ مقرراتی برای موضوع تعیین مرز، در موافقتنامه های موجود بین ایران و اتحاد شوروی سابق در خصوص دریا وجود ندارد، از سوی ایران پذیرفته نشده است. این مطلب مبتنی بر این ایده می باشد که دریای خزر، یک منطقه دریایی مشترک و مشاع برای این کشورهاست. بنابراین، غیرقابل تقسیم است.

این حقیقت که هیچ خط مرزی در دریای خزر وجود ندارد از سوی شنگ یو مورد تأکید قرار گرفته است. این حقوقدان چنین می نویسد: «تقریباً تمام دریاچه های مرزی به وسیله پیمانهای منعقد شده بین دولتهای ساحلی، تحدید حدود شده اند، بجز دریاچه گن تنس و دریای خزر. به طور کلی، موضوعاتی که به وسیله موافقتنامه ها پوشش داده نشده است، معمولاً از مجاری دیپلماتیک و به وسیله دو دولت ساحلی حل و فصل می گردد.»<sup>۴</sup>

وقایع تاریخ اخیر اتحاد شوروی سابق، باعث ایجاد تعدادی کشورهای جدید شد که قبلاً در یک اتحادیه بودند. این مطلب موجب نگرانیهای رو به رشد نسبت به دریای خزر، بویژه نسبت به منابع طبیعی آن شد. منابع غنی طبیعی، اعم از آبی یا غیر آبی، در دریا وجود دارد، بهره برداری یک جانبه این منابع، ممکن است به برخی جدالها منجر گردد.

به طور سنتی، آلودگیهای ساحلی این دریا، روی «ماهگیری»، دارای تأثیر بوده است. ذخایر غنی ماهیها، موجب تأمین پروتئین و اشتغال شده و یک راه درآمد محسوب می شود. این بدان معنی است که اثر اقتصادی ماهیگیری در دریا روی

<sup>۳</sup> . ویاجلاو کیزاتوف، رژیم حقوقی دریای خزر، ص ۱۳۷؛ محمدرضا دبیری، پیشین، شماره ۵، ص ۱۶.

<sup>۴</sup> . حقوقدان برجسته چینی.

<sup>۲</sup> . دریاچه گن تنس (Lake contance)، بین آلمان و سوئد واقع شده است.

<sup>۳</sup> . Farhad Talaie, op.sit. p. 4 .

دولتهای ساحلی انکارناپذیر است. پیشرفتهای تکنولوژی دریایی نسبت به چند دهه گذشته، موجب شده که اکتشاف منابع نفتی و معدنی در این دریا ممکن شود. اخیراً چندین میدان نفتی کشف شده است و این نشان می‌دهد دریای خزر دارای ذخایر عظیمی از نفت می‌باشد. وجود این منابع طبیعی، اهمیت دریا را از نقطه نظر اقتصادی، افزایش داده است.

این مطلب تأیید شده که حتی اگر اختلافی بین ایران و اتحاد شوروی سابق نسبت به جنبه‌های مختلف دریای خزر وجود داشت، هیچ کدام از آن اختلافها و مشکلات، به مانند امروز بزرگ نبودند. اگر چه فعالیتهایی همچون کشتیرانی و ماهیگیری از جمله نگرانیهای دولتهای ساحلی در ارتباط با این دریا می‌باشد، اکنون نگرانی عمده آنها درباره وجود منابع نفتی و معدنی در بستر و زیر بستر دریا می‌باشد.

روسیه در مکاتبه با سازمان ملل متحد، اعلام کرد، موافقتنامه‌های موجود هنوز دارای اعتبار است. این کشور تصریح کرد، رژیم حقوقی دریای خزر که بر اساس موافقتنامه‌های ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و ۲۵ مارس ۱۹۴۰ مقرر شده، هنوز هیچ تغییری را متحمل نشده است. همچنین، روسیه به طور رسمی موقعیت کشورش را راجع به قدرت قانونی موافقتنامه‌ها در ارتباط با همه دولتهای ساحلی بیان داشت، و اعلام کرد که: «مطابق با اصول و قوانین حقوق بین الملل، روسیه و دیگر دولتهای ساحلی، شامل آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ایران، بر اساس مقررات موافقتنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ملزم هستند.»

روسیه آنچه که اصول و قوانین بین الملل به آن بازگشت دارد را به دقت شرح نداد. ایران، هم همان موضع روسیه را اتخاذ کرده است، چه در مورد اعتبار موافقتنامه‌ها، و چه قدرت الزام آور بودن این موافقتنامه‌ها نسبت به دولتهای ساحلی دریای خزر، تا موقعی که به یک رژیم حقوقی فراگیر، توافق حاصل آید. بدون تردید، موضع ایران و روسیه، تأثیرات مثبتی داشته است؛ به دلیل این که بدون وجود چارچوب قانونی، دریای خزر، مکان جدال و ستیز خواهد بود.

گسترش اعتبار موافقتنامه‌ها نسبت به همه دولتهای ساحلی بدین معنی است که، تا زمان استقرار یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر، موافقتنامه‌های موجود (۱۹۲۱ و ۱۹۴۰)، یک چارچوب معتدل برای اعمال حقوق و اجرای وظایف دولتهای ساحلی دریای خزر را تأسیس نموده و از ادعاهای یک جانبه جلوگیری می‌نماید. همان طور که قبلاً ذکر شد، در ۵ اکتبر ۱۹۹۵، فدراسیون روسیه به طور رسمی موضع خودش را به سازمان ملل اعلام کرده است. روسیه تأکید نموده که تا حصول یک موافقتنامه جدید از سوی دولتهای ساحلی، موافقتنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، بین ایران و شوروی، دارای اعتبار می‌باشد. این کشور پذیرفته است که تغییرات جدید، در حالی که شامل دولتهای ساحلی نوبنیاد می‌شود، نیاز به تأسیس رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر دارد. به هر حال، روسیه مدعی است مقررات ویژه موافقتنامه ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ م. می‌تواند در تنظیم موافقتنامه‌های جدید، مورد استفاده قرار گیرد. روسیه اظهار می‌دارد که اهمیت انعقاد موافقتنامه جدید در نگهداری اکوسیستم آسیب پذیر دریای خزر است. روسیه اعلام کرده است که هیچ گونه اقدام یک جانبه در دریای خزر، که متناقض با ماهیت حقوقی این دریا باشد، نمی‌تواند به رسمیت شناخته شود.

ایران نیز دارای همین موضع بوده، و به وسیله وزیر امور خارجه کشورمان، این گونه مورد تأیید قرار گرفته است که: «ایران و روسیه هر اقدام یک جانبه، راجع به دریای خزر را رد می‌نمایند.» روسیه با تکیه بر غیر کاربردی بودن قواعد حقوق دریاهای، ادعاهای یک جانبه در دریای خزر را رد می‌نماید. در این ارتباط دو موضوع می‌بایستی مورد بحث قرار گیرد:

موضوع اول: هیچ ادعای یک جانبه مورد پذیرش واقع نمی‌شود، چون ادعاهای یک جانبه ممکن است تأثیرات مضر روی دیگر دولتهای ساحلی داشته باشد. این ماهیت طبیعی دریاهای محصور در خشکی است که دولتهای ساحلی را از اظهار ادعاهای یک جانبه منع می‌نماید.

موضوع دوم: چنانچه همه دولتهای ساحلی نسبت به اعمال حقوق دریاها موافقت نمایند، هیچ مانعی برای دولتهای ساحلی دریاها را محصور در خشکی در اعمال حقوق دریاها نسبت به این مجموعه آبی وجود ندارد. به هر حال، ممکن است عوامل متعدد، راه حلهای گوناگونی را در تأسیس رژیم حقوقی برای دریاها محصور در خشکی، فراهم سازد.

### گفتار اول: بررسی موضوعات رژیم حقوقی دریای خزر

رژیم حقوقی دریای خزر، موضوعات متعددی را در بر دارد که به اهم آن اشاره می شود:

۱- پرواز هواپیما بر فراز دریای خزر ۲- رژیم کشتیرانی ۳- ماهیگیری ۴- آلودگی دریایی ۵- مکانیسم مناسب برای شراکت منابع نفتی دریای خزر.

### بند اول: پرواز هواپیما بر فراز دریای خزر

در قراردادهای دو دولت ایران و شوروی سابق، به مسأله پرواز بر فراز دریای خزر اشاره ای نشده است که این امر، اولاً، ناشی از اوضاع و احوال زمان انعقاد قراردادهاست و ثانیاً، به دلیل محدود بودن دولتهای ساحلی، مشکل خاصی به وجود نیامد و طرفین به روح کلی مشاع و مشترک بودن این دریا آگاهی داشتند. در حال حاضر، با وجودی که تعداد کشورهای حاشیه دریای خزر افزایش یافته، از جهت پرواز هواپیما، اختلافی بین دولتهای منطقه مشاهده نمی شود.

می توان گفت که در تدوین رژیم حقوقی جدید، می بایستی پرواز هواپیماهای کشورهای ساحل نشین، چه هواپیمای نظامی و یا مسافربری آزاد باشد و این مطلب را می توان از روح عرف و قوانین بین الملل در خصوص پرواز هواپیما در مرزهای خشکی و آبی به دست آورد.

البته می بایستی این محدودیت در رژیم حقوقی لحاظ گردد که پرواز هواپیما منحصر به کشورهای عضو باشد از این رو، کشورهای بیگانه حق پرواز بر فراز آبهای دریا را دارا نیستند، مگر این که توافق جمعی دولتهای ساحل نشین حاصل شده باشد، و کشورهای عضو نمی توانند بدون اطلاع و اجازه کشورهای دیگر، به دولتهای ثالث اجازه پرواز بر فراز این دریا را بدهند؛ چه این که با توجه به مسائل سیاسی و امنیتی که بین کشورها مطرح است.

این مسأله می تواند به نحو جدی مشکل ساز باشد؛ برای مثال، کشور آذربایجان که دارای روابط نظامی با دولت غاصب اسرائیل است، چنانچه به این دولت اجازه پرواز بر فراز دریای خزر را صادر نماید، از نظر امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران مخاطره آمیز خواهد بود.

«روزنامه الحیات، احداث پایگاه نظامی در کنار دریای خزر را ادامه پیمان نظامی اسرائیل و ترکیه دانست و تقاضای جمهوری آذربایجان از ناتو و ترکیه برای احداث چنین پایگاهی را اقدام تهدیدآمیز و عامل بی ثباتی در منطقه قفقاز و بر هم زدن معادلات سیاسی و اقتصادی کشورهای پیرامون دریای خزر ذکر کرد. حیدر علی اف رئیس جمهوری آذربایجان با این تصمیم در صدد است ضمن اعمال فشار به ارمنستان برای باز پس گرفتن هفده درصد از سرزمینهای تحت اشغال این کشور، نقش

<sup>۱</sup>. Ibid, P. 10 .

<sup>۲</sup>. لطف الله مفخم پایان، پیشین، ص ۳۱۴؛ محمدرضا دبیری، پیشین، ص ۸۷.

<sup>۲</sup>. بهمن آقایی، پیشین، صص ۷-۱۹۳ .

اساسی در منطقه قفقاز داشته باشد. همچنین احداث پایگاه ناتو در جمهوری آذربایجان، عامل تهدید دیگری برای روسیه می باشد.<sup>۳</sup>

### بند دوم: رژیم کشتیرانی

آنچه از قراردادهای قبلی بین ایران و شوروی سابق به دست می آید، تا فاصله ده مایل دریایی از مرز، منطقه انحصاری ایران و شوروی محسوب می شود و کشور دیگر حق ندارد در منطقه مقابل بدون اجازه طرف مقابل، کشتیرانی نماید و حد فاصل بین آن دو منطقه، منطقه مشترک در نظر گرفته شده است و طرفین به طور مساوی دارای حق کشتیرانی می باشند. اما وضعیت کشتیهای جنگی چگونه است؟

در مقررات عهدنامه های فوق الذکر (قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰) هیچ گونه تمایزی بین کشتیهای تجاری و جنگی قائل نشده است و بدینسان به نظر می رسد انواع ناوهای جنگی طرفین برای کشتیرانی در دریای خزر آزاد هستند؛ ولی همانگونه که حقوقدانان روسی گفته اند، لازم است اجازه طرف مقابل را برای این منظور کسب نمایند.

توضیح این که، حقوقدانان روسی معتقدند گرچه مقررات برای کشتیهای جنگی پیش بینی نشده است ولی «اصول عمومی پیمانها و منافع مشترک در امنیت ملی» ایجاب می کند که کشتیهای جنگی یک طرف، قبلاً برای ورود به آبهای طرف دیگر اجازه کسب کنند. «ممکن است معیار ده مایلی، با توجه به وضعیت موجود قابل اعمال نباشد. چون با توجه به مرزهای غیرمستقیم کشورهای تازه به استقلال رسیده حاشیه دریای خزر، لحاظ فاصله ده مایلی موجب تداخل منطقه انحصاری کشتیرانی می گردد.

بنابراین، متخصصان جغرافیای دریایی می بایستی تدبیر دیگری بیندیشند. به عبارت دیگر، گفتن این که «فاصله ده مایلی» به عنوان منطقه انحصاری کشتیرانی برای هر پنج کشور محسوب شود، در حالت کلی ناکافی بوده و موجب بروز اشکالات می گردد. پرسش دیگر این است که آیا کشورهای غیر حاشیه دریای خزر، می توانند در دریای خزر از حق کشتیرانی برخوردار باشند؟ علی القاعده چنین حقی برای کشور ثالث وجود ندارد؛ ولی آیا کشورهای ساحل نشین می توانند به کشورهای ثالث، اجازه کشتیرانی بدهند؟

فصل سیزده عهدنامه بازرگانی و دریانوردی ایران و شوروی چنین مقرر می دارد: «طرفین... موافقت دارند که در تمام دریای خزر کشتیهای به جز کشتیهای متعلق به ایران یا اتحاد جماهیر شوروی یا متعلق به اتباع و دستگاههای بازرگانی و حمل و نقل کشوری، یکی از طرفین متعاهدتین که زیر پرچم ایران یا پرچم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیر می نمایند، نمی توانند وجود داشته باشند.» بنابراین، از نظر مسائل امنیتی و سیاسی که اهمیت آن بر هیچ کس پوشیده نیست، اعضا نمی توانند به کشورهای غیرحاشیه دریای خزر، اجازه کشتیرانی بدهند.

البته می توان تدبیر دیگری برای آن اندیشید که در موارد خاص، و نه بصورت کلی، آن هم با موافقت کلیه اعضا، اجازه داد که کشورهای ثالث اجازه کشتیرانی داشته باشند؛ مثلاً با موافقت همه اعضا به یک شرکت حمل و نقل فرانسوی اجازه داده شود که

۳. کیهان، چهارشنبه، ۱۳۷۷/۱۱/۲۸، ص ۱۶.

۳. بهمن آقایی، پیشین، ص ۱۹۵.

۳. مجموعه قراردادهای، ص ۱۰۸، به نقل از لطف الله مفخم پایان، پیشین، ص ۳۱۴.

نفت یا کالای دیگری را بین بنادر کشورهای حوزه دریای خزر، تخلیه یا بارگیری نماید. نتیجه آن که، مقررات سابق مربوط به کشتیرانی که بین ایران و شوروی سابق معمول بوده، با توجه به وضعیت جدید، با اندک تغییری قابل اجراست.

#### بند سوم: شیلات (ماهیگیری)

در سال ۱۹۲۷ قراردادی برای ماهیگیری بین ایران و شوروی در مورد دریای خزر امضا شد که در آن توافقهایی برای ایجاد شرکت مشترک ماهیگیری و دادن امتیاز ویژه ای به آن، که مدت بیست و پنج سال اعتبار داشت، پیش بینی شده بود. برخی منابع نگران بودند که با انعقاد این قرارداد، روسها بتوانند سلطه جدیدی بر دریای خزر کسب نمایند ولی در سال ۱۹۵۳ ایران این قرارداد را تمدید نکرد و مهر پایان بر آن زد. از آن پس، ایران صلاحیت انحصاری ماهیگیری خودش در دریای خزر را اعمال نمود.

«درباره رژیم ماهیگیری در دریای خزر قرارداد ۱۹۴۰ بازرگانی و بحریمایی دارای مقررات بسیار واضح و روشنی است و صرف نظر از یک محدوده ده مایلی از نوار ساحلی که به طور انحصاری از لحاظ ماهیگیری به طرفین تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر مابقی دریای خزر برای هر دو کشور آزاد اعلام شده است.»<sup>۳</sup>

با این وجود، معاهدات گذشته، یک سیاستی برای حفظ و ادامه منابع طبیعی و زنده دریا ایجاد نکرده است. از آنجایی که دریای خزر یک مجموعه درون مرزی و محصور در خشکی می باشد و منابع دریایی پایان پذیر است، بهره برداری بیش از حد منابع زنده، بدون وجود یک سیاست حساب شده، به نابودی این منابع خواهد انجامید.

#### بند چهارم: آلودگی دریایی

در مجموع شش منبع آلودگی دریایی وجود دارد: ۱. ضایعاتی که از منابع واقع در خشکی سرچشمه می گیرند. ۲. آلودگی ناشی از خالی کردن ضایعات و مواد سمی مثل ضایعات اتمی. ۳. آلودگی ناشی از کشتیها و نفت از تانکرهای نفتی. ۴. آلودگی ناشی از جو یا از طریق آن. ۵. آلودگی ناشی از بهره برداری از معادن بستر دریا. ۶. آلودگی ناشی از حفر چاههای نفتی.<sup>۴</sup>

بر اثر آلودگی ناشی از عوامل مختلف، مخصوصاً آلودگی ناشی از مواد نفتی، ضایعات جبران ناپذیری به محیط زیست دریایی وارد می شود که به چند مورد آن اشاره می شود:

۱- آلودگی آبهای دریا، به واسطه نفت و مشتقات آن، موجب از بین رفتن انواع پرندگان دریایی می شود.

۲- آلودگی آبهای دریا بر زندگی ماهیها، انواع خرچنگها و بی مهرگان آثار شومی دارد و در از بین بردن گیاهان دریایی که عمده ترین غذای ماهیها و دیگر جانوران دریایی هستند تأثیر شدید می گذارد. باید دانست حتی مزه یک صدم میلی گرم بنزین در آب احساس می شود.

۳- آلودگی آبها، بر پلاژها و سواحل، خسارت جدی وارد می آورد و محیط ساحل را آلوده می سازد.

<sup>۳</sup>. بهمن آقایی، پیشین، ص ۱۹۴.

<sup>۴</sup>. بلدسو رابرت، بوسلاو بولجیر، فرهنگ حقوق بین الملل، ص ۲۸۴.

۴- روغن و نفت از طریق جریان باد و امواج، مرتباً به آبهای ساحلی و بنادر می رسد و در آنجا انباشته می گردد. این انباشت، خطر آتش سوزیهای بزرگ را در پی دارد.

ریزش بی رویه فضولات نفتی ناشی از بهره برداری از چاههای واقع در دریا و فعالیت پالایشگاههای منطقه باکو، این بخش از دریای خزر را به یکی از آلوده ترین مناطق دریایی جهان تبدیل ساخته است. «تخمین زده می شود که در دهه ۶۰ میلادی، یک میلیون تن نفت در دریای خزر رها شده است.»

بر اساس موافقتنامه همکاری علمی، فنی و فرهنگی مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۱، ایران و شوروی در سال ۱۳۵۱، تفاهم نامه ای امضا کردند. بند دوم این تفاهم نامه تصریح نموده که طرفین، بررسی زیست محیطی دریای خزر را ادامه خواهند داد و برای این منظور در زمینه مبادلات اطلاعات، اسناد فنی و هیأت‌های علمی و تخصصی همکاری خواهند کرد. در عین حال در سال ۱۹۷۳ توافق شده که یک گروه کار دائمی برای بررسی و پیگیری اقدامات مربوط به جلوگیری از آلودگی دریای خزر تشکیل شود. گروه کار مزبور هفتمین جلسه خود را در سال ۱۳۶۲ در تهران برگزار نمود و متعاقباً یادداشت تفاهم جدیدی بین دو کشور به امضا رسید.

امروزه آلودگی دریا، یک نگرانی عمده ای برای دولتهای ساحلی شده است، حتی سازمانهای بین المللی مانند سازمان ملل در این خصوص ابراز نگرانی نموده اند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، در چندین جلسه مشترک بین دولتهای منطقه، بر مسؤلیت خطیر و حساس کشورهای ساحل نشین، نسبت به محافظت دریا تأکید شده است؛ چون دریای خزر، به عنوان یک دریای محصور در خشکی و فقدان جریانهای آبی، نسبت به آلودگی بسیار آسیب پذیر شده است. موافقتنامه های سابق که بین ایران و شوروی منعقد شده بود، با توجه به نیازها و منابع زمان انعقاد قرار داد دو کشور ایران و شوروی بوده است. بنابراین، به اندازه کافی نسبت به منافع و مصالح دولتهای فعلی ساحلی پاسخگو نمی باشد. علی رغم این حقیقت، می توان از مقررات سابق به عنوان یک راهنما و الگو برای رژیم حقوقی جدید استفاده نمود.

#### بند پنجم: مکانیسم مناسب برای شراکت منابع نفتی دریای خزر

سه مکانیسم عمده وجود دارد که ممکن است به عنوان راهنما برای رژیم حقوقی جدید، جهت بهره برداری از منابع طبیعی دریا مورد استفاده قرار گیرد. البته این مکانیسمها فقط مربوط به منابع نفتی نیست.

مکانیسم اول: این است که کل منطقه دریای خزر، به پنج قسمت مساوی تقسیم شود که هر قسمت متعلق به یکی از دولتهای ساحلی باشد. این مکانیسم، دارای موانع و اشکالات فراوانی است از جمله این که، دولتهای دارای خطوط ساحلی بزرگتر، با تقسیم دریا به پنج قسمت مساوی موافقت نخواهند کرد؛ همچنین تقسیم بر اساس «طول خط ساحلی»، نمی تواند دولتهایی را که از سهم کمتری برخوردار هستند، راضی کند؛ علاوه بر این، دریای خزر دارای جزایر متعددی است که مکانیسم تقسیم دریا روی آنها قابل اعمال نیست. از این رو، مکانیسم اول، تأمین کننده منافع همه دولتها نخواهد بود.

۳. سلاله، حبیبی، حقوق بین الملل در برابر مسأله خسارت وارده به دولتها در گستره دریاها، ص ۱۱۲.

۳. لطف الله مفخم پایان، پیشین، ص ۳۱۷.

۳. بهمن آقایی، پیشین، ص ۱۹۷.

مکانیسم دوم: این است که تمام منطقه دریا به عنوان «مال مشترک» یا «مال مشاع» اعلام گردد. در این حالت، دریا قابل تقسیم نیست و هیچ دولت ساحلی نمی تواند بخشی از دریا را به خود اختصاص دهد. یک «مقام یا سازمان مشترک» از نمایندگان تمامی کشورها، نحوه استفاده از منابع معدنی را معین می سازد.

این مکانیسم همانند مکانیسمهای دیگر در صورتی عملی است که تمامی کشورها با آن موافقت داشته باشند؛ این مکانیسم نیز، ممکن است نسبت به موضوعات دیگر مثل ماهیگیری، تجارت ساحلی، آلودگی محیط زیست و کشتیرانی گسترش یابد و «سازمان مشترک» در این موضوعات هم، دارای اختیار و صلاحیت خواهد بود. این مکانیسم به طور معقول با منافع دولتهای ساحلی در ارتباط می باشد و در مقایسه با مکانیسم اول، کاملتر به نظر می رسد. تنها مشکل این است که هنوز توافقی نسبت به آن حاصل نشده است. طرحهای روسیه، قزاقستان و آذربایجان، عملاً این مکانیسم را در انزوا قرار داده است. به عبارت دیگر با قراردادهای نفتی ای که بین آمریکا و آذربایجان منعقد شد و نیز قرارداد تحدید مرزهای آبی که بین روسیه و قزاقستان منعقد گردید، جایی برای اجرای مکانیسم دوم باقی نگذاشته است.

مکانیسم سوم: این است که هر یک از دولتهای ساحلی دارای یک «منطقه انحصاری» مخصوص به خود باشند و نیز یک «منطقه مشترک» که متعلق به همه کشورها باشد، ایجاد گردد به گونه ای که هر یک از دولتها، در منطقه انحصاری دارای اختیار تام بوده و در منطقه مشترک، یک «سازمان مشترک» از نمایندگان پنج کشور حاشیه دریا، نحوه فعالیتها و مسؤولیت هر یک از دولتها را تعیین کند. در این مکانیسم باید «خطوط مبنایی» برای تفکیک منطقه انحصاری از منطقه مشترک مورد بحث قرار گیرد و این که، دولتهای ساحلی، چه فاصله ای را به عنوان منطقه انحصاری مد نظر قرار دهند.

البته ممکن است غیر از این سه مکانیسم، طرحهای دیگری هم وجود داشته باشد ولی، آنچه که گفته شد از مهمترین آنهاست. در هر حال، برای تحقق هر مکانیسم یا طرحی، مشارکت جمعی تمامی دولتها لازم می باشد چون خواست و اراده دولتهای مربوط عامل تعیین کننده است.

به طور خلاصه می توان گفت، آذربایجان و قزاقستان خواهان تقسیم دریا و حق حاکمیت مستقل برای بهره برداری از منابع دریا می باشند؛ در چنین حالتی، و در صورت توافق دیگران، قراردادهای منعقد شده این دو کشور با شرکتهای غربی، توجیه حقوقی خواهد داشت؛ در مقابل، ایران و روسیه، از یک طرف، ضمن تأکید بر حق حاکمیت مستقل کشورها، به وضعیت مشاع و مشترک دریا تأکید دارند.

در واقع، ایران و روسیه بر استمرار معاهدات پیشین تأکید می ورزند؛ چون در این حالت، وضعیت مشاع تضمین می گردد و هر یک از پنج کشور حاشیه دریا می توانند از بیست درصد دریای خزر سهم داشته باشند. این دو کشور معتقدند که معاهدات سابق مانند معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میلادی، همچنان به قوت خود باقی است. نهایت آن که، با توجه به شرایط جدید و ناکافی بودن معاهدات سابق، با انعقاد موافقتنامه های جدید می توان آن معاهدات سابق را، نسبت به همه دولتهای حوزه دریای خزر گسترش داد.

می توان گفت، دریای خزر از نظر بهره برداری منابع زنده دریایی و استحصال منابع کف و زیر بستر دریا، حوزه واحدی را تشکیل می دهد. بنابراین، نوعی حاکمیت مشاع می تواند پاسخگوی تمام مسائل مربوط به دریای خزر باشد و کشورهای

۳. گزارشها (میزگرد ایران و روسیه)، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۱۷۱.

۳. محمدرضا دبیری، پیشین، ص ۱۶؛ ویچلاو کیزاتوف، پیشین، ص ۱۳۳.



منطقه، زمانی می‌توانند منابع محدود خود را در خدمت توسعه و شکوفایی اقتصادی به کار گیرند که دریای خزر را به عنوان «دریای صلح و آرامش» مد نظر قرار داده و از وسوسه رقابتهای تسلیحاتی، نظامی، توهم کسب برتری و قدرت رهایی یابند.

### بررسی تحولات اخیر رژیم حقوقی دریای خزر

#### گفتار اول: موافقتنامه همکاری های امنیتی در اجلاس باکو

آخرین نشست روسای کشورهای ساحلی دریای خزر در سال ۱۳۸۹ در باکو، پایتخت جمهوری آذربایجان، برگزار شد. براساس متن تهیه شده در جلسات کارشناسی، موافقتنامه همکاری های امنیتی بین کشورهای ساحلی دریای خزر در سومین اجلاس سران کشورهای ساحلی این دریا که ۲۷ آبان ۱۳۸۹ (۱۸ نوامبر ۲۰۱۰) در جمهوری آذربایجان برگزار شد، به امضای روسای جمهور پنج کشور رسید.

در این موافقتنامه سران کشورهای ساحلی توافق کردند که همکاری های خود را در زمینه تأمین امنیت دریانوردی در این دریا گسترش دهند. روسای کشورهای ساحلی در باکو همچنین توافق کردند که بررسی های کارشناسی لازم برای تعیین عرض جغرافیایی و حدود حق حاکمیت پنج کشور عضو از دریای خزر انجام شود. بر اساس این تفاهمنامه، صید ماهیان خاویاری نیز برای مدت پنج سال ممنوع اعلام شد. محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت ایران در این نشست پیشنهاد داده بود تا روند تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر در سال ۲۰۱۱ به پایان برسد.

#### گفتار دوم: سی و هفتمین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی

سی و هفتمین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در تاریخ ۲۱ و ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۳ به میزبانی کشورمان در شهر رامسر برگزار شد. مهم ترین مسئله در حال حاضر تقسیم حوزه های نفت و گاز و مشخص کردن مرزهای آبی ۵ کشور است. ایران معتقد است براساس اصل انصاف و مساوات، دریای خزر و منابع آن باید به طور مساوی بین ۵ کشور تقسیم شود؛ یعنی ۲۰ درصد حق استخراج این دو منبع انرژی و خود دریای خزر باید متعلق به هر کشور باشد، ولی ایران در این خصوص نیز حاضر به مذاکره است.

در اجلاس گذشته تأکید ایران بر رژیم حقوقی دریای خزر براساس توافقنامه بین ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به عنوان ۲ سند مادر بود که اصول کلی کشتیرانی را در حوزه دریای خزر مشخص کرده و ایران معتقد است این رژیم حقوقی همچنان باید مبنا باشد. ایران مخالف تبدیل دریای خزر به ۲ حوزه شمال و جنوب در روند همکاری هاست. روسیه و قزاقستان معتقدند شمال دریای خزر ارتباطی به ایران، ترکمنستان و آذربایجان در جنوب ندارد تا بخواهند درباره شمال دریا نیز تصمیم گیری کنند. روسیه و قزاقستان معتقدند می‌توانند توافقات دوجانبه داشته باشند، کما اینکه تاکنون نیز داشته اند.

#### بند اول: دیدگاه های ۵ کشور ساحلی

هر کدام از پنج کشور حاشیه دریای خزر بر حسب منافع خود، راهکاری را برای تنظیم نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر در نظر دارند

#### اول: جمهوری اسلامی ایران، حل مسئله بر اساس اتفاق آرا

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان در نشست وزرای خارجه کشورهای ساحلی خزر در اردیبهشت ماه سال جاری طی اظهاراتی اعلام کرد: الگوی تعیین خطوط میانی باید برای همه طرف ها قابلیت دفاع در سطوح ملی را داشته باشد.

وی افزود: تبدیل دریای خزر به دریای صلح و دوستی و ثبات، پرهیز از رقابت های تسلیحاتی، خودداری از کاربرد نیروهای مسلح و عدم حضور نیروهای مسلح کشورهای غیرساحلی از پیش فرض های اساسی تضمین صلح و ثبات پایدار در منطقه محسوب می شود. وزیر خارجه با بیان اینکه خوشبختانه موافقتنامه امنیتی در دریای خزر به امضا رسیده، عنوان کرد: مشتاق هستیم در آینده نزدیک بتوانیم در خصوص ساز و کارهای مربوط به ساخت و ساز و همکاری های نظامی نیز به توافق برسیم

۴

محمدجواد ظریف گفت: کشورهای ساحلی تاکید دارند که تا زمان تعیین رژیم حقوقی جدید، رژیم های حقوقی توافق شده فعلی برگرفته از موافقتنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در مواردی مانند آزادی دریانوردی تجاری، ماهیگیری، منع تردد کشتی ها و شناورها با پرچم های کشورهای غیرساحلی و ایجاد کمربند انحصاری شیلاتی همان گونه که تاکنون اعمال شده اند در آینده نیز اعمال شوند.

وزیر خارجه افزود: ایران به عنوان یک طرف ذینفع اعتقاد دارد که مذاکرات ثمربخش برای تدوین نظام حقوقی جامع و پایدار مبتنی بر اصول و موازین حقوق بین الملل، منصفانه بودن نتایج تحدید حدود، اتفاق آرای پنج جانبه و انحصار حاکمیت، حقوق حاکمه و صلاحیت در این دریا صرفاً به پنج کشور ساحلی باید هر چه سریعتر به نتیجه برسد. همچنین فروردین ماه سال جاری بود که رئیس جمهور کشورمان در دیدار همتای آذربایجانی خود در تهران تأکید کرد: در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر هر دو طرف بر این اعتقادیم که برای دستیابی به توافق نهایی در این زمینه راه درازی پیش رو نداریم.

۲

## دوم: روسیه؛ سیاست های متناقض طی ۲۰ سال گذشته

موضع گیری فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق این بود که دولت های جدید الاستقلال حاشیه دریای خزر باید تا تعیین رژیم حقوقی جدید، پایبند مفاد عهدنامه های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ باشند. روسیه با تقسیم بستر دریای خزر مخالف بود و هرگونه اقدام یک طرفه در بهره برداری از منابع زیربستر دریای خزر را غیرقانونی قلمداد می کرد.

روسیه در این خصوص طرح پروتکلی را در مورد تشکیل کمیته بستر دریای خزر به صورت نیمه رسمی به طرف ایرانی ارائه کرده بود که در آن، بستر دریای خزر ثروتی عمومی و متعلق به همه کشورهای ساحلی حاشیه دریای خزر دانسته شده بود و فعالیت در آن، می بایست با رعایت مصالح کلیه کشورهای ساحلی و بر اساس مقررات کمیته بستر دریا انجام گیرد. روسیه همچنین پیشنهاد کرده است که نوار ۱۰ مایلی برای حاکمیت انحصاری کشورهای همجوار خزر در سواحل دریا مدنظر قرار گیرد.

البته مواضع روسیه همواره ثابت نبوده و سیاست آن بیشتر بر صبر و مدارا استوار بوده است. مواضع متناقض این کشور نیز همواره مشهود بوده است، مثلاً در حالیکه وزیر امور خارجه روسیه از تئوری دریاچه حمایت می کند، بزرگترین کمپانی های نفتی ملی روسیه از تقسیم دریای خزر حمایت می کنند و در عین حال از حمایت بالای روسیه برخوردارند.

۴. همان.

۴. همان.

**سوم: قزاقستان؛ تاکید بر حفظ محیط زیست دریای خزر**

کشور قزاقستان دارای یک موافقت نامه در ۱۷ خرداد ۱۳۷۶ (۶ ژوئن ۱۹۹۸) درباره تحدید حدود مرزهای آبی با روسیه است. در آخرین بیانیه رهبران روسیه و قزاقستان در ۱۸ مهر ۱۳۷۹ (۹ اکتبر ۲۰۰۰)، دو کشور به مبنا بودن توافقات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تا تعیین رژیم حقوقی جدید که می بایست با توافق هر ۵ کشور باشد، اعتراف کردند. قزاقستان معتقد است که به لحاظ طولانی بودن مذاکرات حقوقی مناسب است که برای جلوگیری از انقراض نسل ماهیان تاسماهی اقدامات اکولوژیکی سریع تر صورت گیرد.

**چهارم: آذربایجان؛ عنصر فرو ریختن نظم دریای خزر**

در مقایسه با دیگر کشورها، آذربایجان در فرو ریختن نظم دریای خزر از دیگران پیشی گرفت و با انکار صریح اعتبار رژیم حقوقی این دریا و با استناد به تغییر فاحش شرایط و اوضاع و احوال، مسأله تقسیم دریای خزر را مطرح کرد و بدون انتظار هیچ جوابی به انعقاد قراردادهای نفتی پرداخت.

طبق ادعای آذربایجان، اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۰ منطقه بالای خط فرضی آستارا حسینقلی را بین جمهوری های حاشیه دریای خزر تقسیم کرده بود. اصل ۱۲ قانون اساسی جدید آذربایجان، دریای خزر را متعلق به جمهوری آذربایجان دانسته و حتی قلمرو هوایی آن را نیز از اجزاء تشکیل دهنده و لاینفک آذربایجان می داند. آذربایجان قائل به تقسیم کلی دریاست و معتقد است که دریای خزر باید به مناطق ملی تقسیم شود و در هر منطقه ملی، دولت ها بدون هیچ قید و شرطی می توانند حاکمیت خود را اعمال کنند.

**پنجم: ترکمنستان؛ تقسیم منافع خزر با آذربایجان**

این کشور در ۱۳۷۶ (۱۹۹۷) قراردادی برای تقسیم دریا بر اساس خط میانه با آذربایجان امضاء کرد. اما در عمل و بخصوص در مورد حوزه نفتی کاپاز با این کشور دچار اختلاف شد. این کشور پیشنهاد عرض ۴۵ مایلی برای استفاده انحصاری کشورها و بقیه آب های مشترک را مطرح کرده است. پیشنهاد دیگر نیازاف تشکیل اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر بود.

**گفتار سوم: درخواست ایران برای تدوین سریع رژیم حقوقی دریای خزر در مسکو (اردیبهشت ۱۳۹۳)**

در نشست تدوین پیش نویس بیانیه پایانی چهارمین نشست سران ۵ کشور ساحلی دریای خزر، وزیر خارجه ایران بر تعیین هر چه سریعتر رژیم حقوقی دریای خزر تاکید کرد. وزرای کشورهای حاشیه دریای خزر، طی نشستی در مرکز تجارت جهانی در مسکو گردهم آمدند تا به بررسی بیانیه پایانی چهارمین نشست سران ۵ کشور ساحلی در آستاراخان روسیه برگزار شود، بپردازند.

نشست مقدماتی و کارشناسی ۵ کشور ساحلی در محل ساختمان مرکز تجارت جهانی در مسکو برگزار شد و ابراهیم رحیم پور معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه ریاست هیأت ایرانی در این نشست را برعهده داشت. این دست نشست ها عمدتاً با هدف تدوین رژیم حقوقی دریای خزر برگزار می شود. دریای خزر که تا پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری های سابق، دریای مشترک میان ایران و روسیه بود، با سه همسایه جدید (قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان) رو به رو شد اما رژیم حقوقی جدید آن طی بیش از دو دهه گذشته تعیین نشده است.

۴. گزارش خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس.

ایران، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان پنج کشور ساحلی دریای خزر هستند. این کشورها طی ۲۰ سال گذشته به صورت دو و سه جانبه به توافق هایی در تعیین محدوده دریایی خود دست یافته اند اما ایران می گوید هرگونه تصمیمی درباره سرنوشت این دریا، مطابق توافق های اولیه، باید با حضور هر ۵ کشور ساحلی اتخاذ شود.

بر اساس توافق های دو جانبه و سه جانبه ای که تاکنون بدون حضور ایران صورت گرفته، سهم ایران از دریای خزر حدود ۱۳ درصد می شود اما ایران می گوید بر اساس اصل انصاف، و فرمول پیشنهادی این کشور برای تقسیم دریا، حدود ۲۰ درصد از این دریا سهم می برد.

محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در جمع وزرای خارجه با تاکید بر تدوین هر چه سریعتر رژیم حقوقی دریای خزر گفت: خوشبختانه اراده سیاسی رهبران پنج کشور ساحلی بر این است که این دریا، همواره دریای «صلح و دوستی»، «توسعه و شکوفایی پایدار»، «همکاری متقابل» و «حس همجواری» باشد. وی افزود: همچنین کشورهای ساحلی تاکید دارند که تا زمان تعیین رژیم حقوقی جدید، رژیم های توافق شده فعلی بر گرفته از موافقتنامه های ۱۹۲۱، ۱۹۴۰، در مواردی مانند: «آزادی دریانوردی تجاری»، «ماهگیری»، «منع تردد کشتی ها و شناورها با پرچم کشورهای غیر ساحلی» و «ایجاد کمر بند انحصاری شیلاتی» همانگونه که تا کنون اعمال شده اند، در آینده نیز اعمال خواهد شد.

ظریف تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک طرف ذی نفع؛ اعتقاد دارد که مذاکرات ثمربخش برای تدوین نظام حقوقی جامع و پایدار، مبتنی بر: اصول و موازین «حقوق بین الملل»، «منصفانه بودن نتایج تحدید حدود»، «اتفاق آرای ۵ جانبه» و «انحصار حاکمیت، حقوق حاکمه و صلاحیت در این دریا صرفاً به ۵ کشور ساحلی»، باید هر چه سریعتر به نتیجه برسد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تشکیل کشورهای جدید در منطقه ساحلی دریای خزر، تعریف رژیم حقوقی این دریا از بحث انگیزترین مسائل بین کشورهای ساحلی بوده است.

مطابق عهدنامه های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸) تنها دو کشور ایران و روسیه کشورهای ساحلی قلمداد شده و از حق کشتیرانی بازرگانی در این دریا برخوردار بوده اند البته براساس این عهدنامه ها روسیه از امتیاز انحصاری کشتیرانی نظامی نیز در این دریا برخوردار بوده است. با این حال این عهدنامه ها یا عهدنامه های پیش از آن، هیچ گونه تحدید حدودی را مشخص نکرده اند.

در زمان اتحاد جماهیر شوروی نیز بین دو دولت چندین معاهده در زمینه دریای خزر منعقد شد که از مهمترین آنها می توان به معاهده دوستی ایران و شوروی سال (۱۹۲۱) و موافقت نامه بازرگانی و بحریمایی ایران و اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۴۰) اشاره کرد.

در معاهده اخیر حق انحصاری ماهی گیری برای ایران صرفاً ۱۰ مایل ساحلی بود و برای شوروی نیز شامل تمامی سواحل شمالی، شرقی و غربی می شد. اما در فراتر از این نوار ۱۰ مایل ساحلی، حق ماهی گیری و کشتیرانی در بقیه دریا برای هر دو دولت به طور مشاع وجود داشته است. با وجود آن که در مورد فضای مافوق دریا و منابع زیرزمینی آن در این معاهدات هیچ قاعده ای وضع نگردیده بود، اما تلقی هر دو دولت مؤید استقرار رژیم مشاع بوده است.

با فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای جدید در منطقه ساحلی دریای خزر، تعریف جدیدی از رژیم حقوقی دریای خزر همواره مورد چالش کشورهای ساحلی بوده است که البته ورود شرکت های غربی جهت سرمایه گذاری در بخش منابع انرژی، این معما را پیچیده تر ساخته است.

جمهوری اسلامی ایران ابتدا طرح تشکیل سازمان همکاری دریای خزر را مطرح کرد که براساس آن هرگونه استفاده از دریا و بهره برداری از منابع انرژی آن مستلزم همکاری و هماهنگی همه کشورهای ساحلی است و بر مبنای همین رویکرد نیز همواره از رژیم حاکمیت مشاع دولت های ساحلی طرفداری کرده است.

قزاقستان از ابتدا دریای خزر را به عنوان دریایی بسته تلقی کرده که می‌باید حقوق بین‌الملل دریاها و به ویژه مقررات معاهده ۱۹۸۲ مونته‌گوبی درباره حقوق دریاها بر آن حاکم شود. تلقی آذربایجان از دریای خزر به عنوان دریاچه‌ای مرزی است که بایست قواعد و مقررات حاکم بر دریاچه‌های مرزی بر آن حاکم باشد.

ترکمنستان نیز عمدتاً از رژیم حاکمیت مشاع دولت‌ها به همراه پیش‌بینی مناطق صلاحیت سرزمینی دولت‌ها حمایت کرده است. روسیه نیز از ابتدای فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۰۰ طرفدار رژیم حاکمیت مشاع دولت‌ها بود که به نظر می‌رسد از سال ۲۰۰۰ به بعد دیدگاه این کشور به سمت دیدگاه‌های آذربایجان و قزاقستان متمایل شده است. این اختلاف نظرها و تغییر مواضع و دیدگاه‌های کشورهای مختلف ساحلی در مقاطع زمانی متفاوت مشکل را دو چندان کرده و چشم‌انداز دستیابی به هرگونه توافقی در این زمینه را تیره و تار ساخته است.

#### گفتار چهارم: چهارمین نشست سران در آستاراخان (مهرماه ۱۳۹۳)

به گزارش خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس، آستاراخان روسیه دوشنبه هفتم مهر ماه، میزبان چهارمین نشست سران خزر با حضور روسای جمهور روسیه، ایران، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان بود و قبل از اجلاس سران، نشست دو روزه کارشناسان برگزار شد و ششم مهر ماه نیز نشست وزرای خارجه پنج کشور ساحلی برگزار شد. وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی خزر در این نشست همچنین متن بیانیه سیاسی اجلاس سران در مورد رژیم حقوقی دریای خزر را نهایی کردند. یوری اوشکاف مشاور رئیس جمهور روسیه درباره چهارمین نشست سران خزر گفت: هر چند کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر هنوز تعیین نشده، اما انتظار می‌رود اجلاس آستاراخان زمینه‌ای برای تعیین این کنوانسیون در اجلاس پنجم سران کشورهای ساحلی باشد.

سه سند همکاری در زمینه ماهیگیری و منابع زنده دریایی، آب شناسی و هواشناسی و نیز هشدار در مواقع اضطراری و رفع عواقب آن و نیز اعلامیه پایانی در اجلاس یک روزه سران به امضا رسید. گفتنی است کنوانسیون رژیم حقوقی سند کلان و چارچوبی است که وضعیت کلی دریا و حقوق و تکالیف کشورها را ترسیم می‌کند.

#### ۶. نتیجه گیری

تاریخ طولانی گذشته دریای خزر، نشان دهنده این واقعیت است که بعد از تثبیت حاکمیت دولت‌های ایران و روسیه تا امتداد سواحل این دریاچه، همیشه این دو کشور مشترکاً صاحب حق بوده‌اند. بنابراین بحث رژیم حقوقی دریای خزر و حفظ حقوق و منافع ایران در منطقه، هر چند که با بروز تحولات بزرگ منطقه‌ای درگیر تلاطم سیاسی شد، اما اساساً موضوعی حقوقی است و مطابق معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به دریاچه‌ها و دریاهای بسته مشترک میان کشورها، قواعد و تعاریف مشخصی دارد. مسائل دریای خزر به طور کلی، مباحث مربوط به دریای خزر که در مذاکرات دو و پنج جانبه کشورهای ساحلی مورد بحث تبادل نظر و چانه‌زنی قرار می‌گیرند، شامل موارد زیر می‌شوند:

۱. کنوانسیون رژیم حقوقی، که شامل موضوعاتی همچون تعیین محدوده‌های مربوط به سطح دریای خزر (مناطق حاکمیتی، اقتصادی، شیلاتی و پهنه مشترک) و تحدید حدود بستر و زیر بستر می‌شود؛
۲. مسائل امنیتی و انتظامی و همچنین مسئله ممنوعیت حضور کشورهای ثالث در دریای خزر؛
۳. مسائل مربوط به انرژی (اعم از اکتشاف، بهره برداری و نفت و گاز) و همچنین مسئله احداث خطوط لوله در بستر دریای خزر؛
۴. محیط زیست؛

۴. خبرگزاری فرارو، کد خبر: ۱۸۷۴۰۱۰۲، اردیبهشت ۱۳۹۳.

۴. گزارش خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس.

۵. شیلات؛

۶. حمل و نقل، کشتیرانی، بنادر و مسئله ترانزیت آزاد کانال ولگا-دن؛

۷. تجارت و همکاری های اقتصادی؛

از میان موارد فوق آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است، مسئله کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، بحث تعیین حدود، مسائل حاکمیتی و مسائل نظامی، امنیتی و انتظامی است. تاکنون گروه کاری ویژه برای تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر (در سطح معاونین وزیر و نمایندگان ویژه در امور دریای خزر) نشست های متعددی را برگزار کرده است. طرح اولیه این کنوانسیون یک مقدمه و ۲۲ ماده دارد و در حدود ۷۰ درصد آن نهایی شده است.

البته هنوز موارد اختلاف مهمی وجود دارد که باعث شده است تاکنون کنوانسیون نهایی نشود. عمده ترین این موارد عبارتند از:

- شیوه های تقسیم بستر و زیر بستر؛

- وضعیت نظامی؛

- حضور کشورهای ثالث؛

- احداث خطوط لوله؛

کنوانسیون رژیم حقوقی سند کلان و چارچوبی است که وضعیت کلی دریا و حقوق و تکالیف کشورها را ترسیم می کند. مسائل جزئی تر مانند سهم کشورها از بستر و زیر بستر از طریق موافقتنامه ها تعیین خواهد شد. با این همه به نظر می رسد روند هارمونی رویدادهای اخیر، نشان از دگرذیسی در راهبردهای منطقه ای تهران در حوزه خزر و قفقاز دارد، چرا که برخلاف حوزه خلیج فارس که ایران مجبور به مصالحه و مسامحه با اعراب میانه رو منطقه و تحمل کشورهای غیربومی است، در حوزه خزر اما ایران هنوز دارای سیطره و سلطه محسوس است.

کشورهای ساحلی غیر از ایران و روسیه حوزه خزر را تبدیل به کانون مبادله انرژی از طریق برگزاری مناقصه های میلیارد دلاری با کارتل ها و تراست های نفتی و گازی کرده اند. بر این مبنا هرگونه تغییرات امنیتی و دفاعی در این حوزه حساس تبعات سنگین اقتصادی برای این کشورها به همراه خواهد داشت؛ وضعیتی که در صورت تحقق آن ایران باید کماکان برخواسته های خود پافشاری کند.

و اما در پایان باید گفت: پنج کشور همسایه دریای خزر و بخصوص برخی کشورهای کوچک آن باید ضمن کنار گذاشتن منافع کوتاه مدت خود به فکر منافع راهبردی و آینده این دریاچه باشند که با توجه به کمبود منابع انرژی و غذایی در سال های آینده اهمیت این دریاچه هر چه بیشتر خواهد شد و هر چه زمان بگذرد شرایط برای رسیدن به توافق مشکل تر خواهد شد؛ بخصوص اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی از این شرایط نهایت استفاده را برده و جایگاه خود را در این دریاچه مستحکم تر می کنند.

## ۷. منابع و مراجع

۱- آقازاده، غلامرضا، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سخنرانی ها، سال سوم، شماره ۸.

۲- آقای، بهمن، رژیم حقوقی دریای خزر، مجله حقوقی، شماره ۸، ۱۳۶۶.

۳- باوند، داود، نگرشی بر رژیم حقوقی دریای خزر، نویدها و زندهاها، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۴.

۴- حبیبی، سلاله، حقوق بین الملل در برابر مسأله خسارت وارده به دولتها در گستره دریاها، فصلنامه حق، دفتر یکم، فروردین خرداد ۱۳۶۴.

طاهری شمیرانی، صفت الله؛ نظام حقوقی بهره برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، ص ۴۸۱. ۴

- ۵- خوداکف، الکساندر، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۱۰ .
- ۶- دبیری، محمدرضا، رژیم حقوقی دریای خزر به عنوان مبنایی برای صلح و توسعه، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۵، ۱۳۷۴ .
- ۷- رابرت، بلدسو، بوسلاو بولجبر، فرهنگ حقوق بین الملل، ترجمه علیرضا پارسا، قومس، تهران، ۱۳۷۵ .
- ۸- رضا، عنایت الله، درباره کاسپیان و دریای کاسپین، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره ۱ .
- ۹- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، گنج دانش، تهران، ۱۳۷۳ .
- ۱۰- طاهری شمیرانی، صفت الله؛ نظام حقوقی بهره برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر، تهران، سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۸ .
- ۱۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیر کبیر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ .
- ۱۲- کیزاتوف، ویاجلاو، رژیم حقوقی دریای خزر، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۱۰ .
- ۱۳- گزارشها (میزگرد ایران و روسیه)، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۹ .
- ۱۴- مفخم پایان، لطف الله، دریای خزر، ترجمه جعفر خمایی زاده، هدایت، تهران، ۱۳۷۵ .
- ۱۵- مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳ .
- ۱۶- ممتاز، جمشید، دشواریها و چشم اندازهای نظام حقوقی دریای خزر، ترجمه مرتضی صفری، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۳ .
- ۱۷- ممتاز، جمشید و رنجبران، امیر حسین، ایران و حقوق بین الملل، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۰ .
- ۱۸- موسی زاده، رضا، کلیات حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۶ .
- ۱۹- مولوی، سید رسول، سمینار بررسی منابع و ظرفیتهای اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال سوم، شماره ۸ .
- ۲۰- خبرگزاری فارس (<http://www.farsnews.com>)
- ۲۱- خبرگزاری فرارو
- ۲۲- روزنامه کیهان

23- Farhad Talaie, The legal status of caspian sea, faculty of law university wollongong Australia.